سایت شورای روابط بین الملل روسیه (23/7/2020)

**ارمنستان آذربایجان: مناقشه ای قدیمی و تشدید تنش جدید**

نویسنده: سرگئی مارکدنوف، دکترای تاریخ، انستیتو دولتی روابط بین الملل مسکو

وخیم تر شدن اوضاع در مرزهای دولتی بین استان تاووش ارمنستان و منطقه تووز آذربایجان دوباره توجهات را بسوی اوضاع ماوراء قفقاز جلب کرد. این بزرگترین تنش نظامی در چهار سال اخیر بوده است. این تنش چقدر روند مناقشه ارمنستان و آذربایجان را تغییر داده است؟ آیا عناصر جدیدی در آن پدید آمده است؟ و آیا همه اینها بدان معنی است که اوراسیا در آستانه رویارویی منطقه ای جدیدی با دخالت فعال بازیگران خارجی است؟ آیا می توانیم بگوییم که در مواضع همه طرفهای کلیدی که روند مناقشه برای آنها اهمیت خاصی دارد اصلاحات اساسی رخ داده است؟

پاسخ دادن به سؤالات فوق بدون بررسی مناقشه ارمنستان و آذربایجان خارج از روند تاریخی آن غیرممکن است. من می خواهم در اینجا بلافاصله دو نکته مهم را گوشزد کنم.

**دو صحنه مناقشه ارمنستان و آذربایجان**

اولین نکته مربوط به تعریف خود مناقشه است. در علوم سیاسی و تاریخ نگاری اصطلاحی بنام "مناقشه قره باغ کوهستانی" کاملاً جا افتاده است. اما این اصطلاح فقط تا حدی درست است و تشدید تنش نظامی در ماه ژوئیه فقط ضرورت اصلاح این اصطلاح را تأیید کرد. در واقع قره باغ در قلب تقابل ارمنستان و آذربایجان قرار دارد اما تنها خط گسل این مناقشه نیست. پس از فروپاشی شوروی مرز دولتی بین دو جمهوری سابق اتحاد جماهیر شوروی مشخص و علامتگذاری نشد. در زمان اتحاد جماهیر شوروی وجود درون بوم (enclave) در قلمرو همسایه چیز عجیبی تلقی نمی شد. برای رهبری شوروی "وحدت اقتصادی ملی" عمومی بسیار مهمتر از اختلافات بین جمهوریها بود، حتی اختلافاتی که در دوره استالین به وجود آمده بودند. اما به موازات افزایش این مناقشات، ابتدا در چارچوب اتحاد جماهیر شوروی و سپس در دوره بعد از فروپاشی، اوضاع به طرز چشمگیری تغییر کرد. مرز بین دو جمهوری به مرز بین دو کشور در حال جنگ تبدیل شد هر چند که جنگ بطور رسمی اعلام نشده بود. و تشدید تنش ماه ژوئیه اولین حادثه از این نوع نیست. این تشدید تنش در ماه ژوئیه فقط در مقایسه با سایر موارد مشابه بزرگتر از بقیه بود. بنابراین صحیح تر آن است که آنرا مناقشه ارمنستان و آذربایجان نامید که دو صحنه دارد: "خط تماس" 193 کیلومتری در قره باغ کوهستانی (مناطقی که در مجاورت قلمرو منطقه خودمختار قره باغ کوهستانی سابق در داخل جمهوری آذربایجان شوروی، قرار دارند)، و مرز دولتی بین دو کشور ارمنستان و آذربایجان. خود این مرز نیز دارای محورهای مختلفی است (تاووش-تووز، نخجوان). اما کل این صحنه را می توان به عنوان یک محور در نظر گرفت چون که هیچ مشاجره ای در مورد وضعیت حقوقی آن وجود ندارد (ساکنان تاووش یا تووز خواستار هیچ تغییری در حوزه اختیارات سرزمینهای خود نیستند) و نیز تشکیلات برسمیت شناخته نشده ای که در روند مذاکرات خود را مدعی تلقی کنند وجود ندارد. در محور "مرزی" فقط دو کشور و منافع آنها وجود دارد و هیچ گونه جنبش الحاق طلبی یا جدایی طلبی وجود ندارد.

دومین نکته مربوط به روند تاریخی است. در این مورد، ما بدنبال گشت و گذار در گذشته های دور، و بالاتر از آن جمع آوری روایت های تاریخ نگاری سیاسی برای مشروعیت بخشیدن به حق مالکیت این یا آن طرف بر "سرزمین خود" نیستیم. در اینجا ضروری است که وقایع حداقل یک دهه گذشته تجزیه و تحلیل شوند و این ضرورت در درجه اول ناشی از آن است که در ابتدا تحولات آوریل 2016 بسیاری از روزنامه نگاران و کارشناسان را اسیر خود کرده است. و اکنون در تحولات ژوئیه 2020 هم اتفاق مشابهی رخ می دهد. رویارویی های نظامی سالهای 2016 و 2020 که وسیعترین رویاروییها از زمان لازم الاجرا شدن توافق نامه آتش بس نامحدود (این توافقنامه در 12 مه 1994 منعقد شد) می باشند به عنوان وقایع منحصر به فردی تلقی شده اند که "منازعه منجمد" را متحول کرده اند و ارمنستان و آذربایجان را در آستانه یک جنگ تمام عیار قرار داده اند. در واقع، هر یک از این وقایع منحصر بفرد می باشند.

اولین مورد را می توان در ادامه همان درگیریهای قدیمی دانست که در امتداد خط تماس در قره باغ کوهستانی رخ می دهند.

دومین در گیری وسیعترین تشدید تنش در صحنه مرزی دوم می باشد. تا زمان نگارش این مقاله، خطرناک ترین روندی که دیده می شود طولانی شدن درگیری است. ما اولین جرقه را در 12 ژوئیه می بینیم و سپس در 16 ژوئیه اوج جدیدی می گیرد و به دنبال آن یک آرامش خاص مشاهده می کنیم. به عنوان مثال، در تاریخ 19 ژوئیه، اطلاعاتی دریافت شد مبنی بر اینكه دهقانان مناطق مرزی به كارهای فصلی سنتی خود بازگشته اند. با این حال، در شب بین 21 تا 22 ژوئیه، خبری در مورد یک تشدید تنش جدید دریافت شد هر چند که خبری متناقض بود.

در عین حال، می توان سیگنال هایی مبنی بر آمادگی برای از سرگیری مذاکرات مشاهده کرد: حتی در دومین اوج رویارویی یعنی 16 ژوئیه، وزارتخانه های خارجه دو کشور چنین آمادگی را ابراز کردند. سپس نیکول پاشینیان که در جلسه شورای بین دولتی اوراسیا در مینسک حضور داشت گفتگوهایی با نخست وزیر روسیه میخائیل میشوستین انجام داد. اظهاراتی توسط رئیس کابینه ارمنستان بیان شد. به گفته وی، رویارویی ژوئیه به تحریک طرف ثالثی صورت گرفته است با این حال این طرف سوم نام برده نشد. اما سخنان او را می توان بعنوان تلاشی برای انداختن مسئولیت حوادث بر عهده برخی بدخواهان ژئوپلیتیک تلقی کرد. او در همان جا در پایتخت بلاروس گفت که "هیچ راه حلی جز مذاکرات صلح وجود ندارد" و افزود: کشور وی امتیازات یک طرفه نخواهد داد. انتظار می رفت که الهام علیف نیز همین اظهارات را تکرار کند تا مسیر متقابلی را در چشم اندازهای صلح بین دو جمهوری قفقازی باز کند.

در تاریخ 21 ژوئیه سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه با سفرای دو کشور وردان توگانانیان و پولاد بلبل اوغلو جلسه صبحانه کاری برگزار کرد. تمرکز دیپلمات ها بر شدت بخشیدن به تلاش های "گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا برای حل و فصل مناقشه قره باغ" بود. ضمنا، این نیز یک فرمول استاندارد پس از تشدید تنش است. اما امروز مهم است که نه تنها در رابطه با "خط تماس" بلکه در رابطه با تشدید تنش در مرزهای ارمنستان و آذربایجان، نقطه بازگشت به مذاکرات را از دست نداد. ضمنا برای مقایسه می توان بخاطر آورد که تقریباً بلافاصله پس از توافق آتش بس در "جنگ چهار روزه" آوریل 2016 نشست گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا برگزار شد که در جریان آن، تشدید درگیری مسلحانه و راه های خروج از آن مورد بحث قرار گرفت. جلسه شورای دائمی سازمان امنیت و همکاری در اروپا هم در همین موضوع برگزار شد. دیدار روسای جمهور ارمنستان و جمهوری آذربایجان (اولین دیدار پس از "جنگ چهار روزه") در تاریخ 16 مه 2016 در پایتخت اتریش برگزار شد و دو ساعت به طول انجامید. سپس در 20 ژوئن 2016 به پیشنهاد ولادیمیر پوتین اجلاس سه جانبه ای در سن پترزبورگ برگزار شد. و توافقاتی که در آنجا به دست آمده اند امروز نیز پا بر جا هستند. کل سؤال در این است که پاندول مناقشه دو کشور چه زمانی به حرکت معکوس در می آید و دور جدید رویارویی جایش را به دور جدیدی از مذاکرات خواهد داد. امروز به نظر می رسد این سوال بسیار حاد است. طولانی شدن مناقشه ای که یکی از طرفهای آن عضو پیمان امنیت دسته جمعی است و دیگری متحد فعال ترکیه است طبق تعاریف، آن را فراتر از چارچوبهای یک رویارویی منطقه ای قرار می دهد. شایسته است که ماجرای دراماتیک مه 1992 را بخاطر آورد، هنگامی که در آن زمان رئیس جمهور ترکیه تورگوت اوزال بیانیه ای درباره عزم خود برای مداخله نظامی در صورت لزوم صادر کرد: "ما نیروها را به نخجوان خواهیم فرستاد. آنها باید بدون تردید اعزام شوند در غیر این صورت ممکن است وقایع رخ داده در قره باغ کوهستانی تکرار شوند". در پاسخ در 20 مه 1992 فرمانده کل نیروهای مسلح متحد مشترک المنافع مارشال یوگنی شاپوشنیکوف اظهار داشت: "اگر یک طرف دیگر به مناقشه آنجا اضافه شود ممکن است ما در آستانه جنگ جهانی سوم قرار بگیریم". امروز روابط روسیه و ترکیه نسبت به اوایل دهه 1990 بهتر شده است. هم مسکو و هم آنکارا این روابط را یک "مشارکت استراتژیک" توصیف می کنند گرچه آنها طیف گسترده ای از اختلافات را هم اذعان دارند: از وضعیت کریمه و آبخازیا گرفته تا مسائل امنیتی در مدیترانه و خاورمیانه. به هر تقدیر روشن است که ورود به مرحله مذاکرات به تأخیر افتاده است. و اگر بخواهیم تنش زدایی کنیم حل این مشکل به یک ماموریت بسیار مهم تبدیل می شود.

**تشدید تنش بدون تازگی**

بیایید به متن های تاریخی گسترده تر برگردیم. وضعیت فعلی در حال حاضر به عنوان پدیده ای بی سابقه تلقی می شود. اما زمانی، همین نتیجه گیری ها را در مورد حوادث آوریل 2016، دسامبر 2015، آگوست 2014، تابستان 2010 و مارس 2008 هم می شنیدیم. هر کدام از این حوادث در زمان خود بی سابقه بودند. مثلا در 12 نوامبر 2014 نیروهای مسلح آذربایجان بالگرد نظامی ارمنستان Mi-24 را منهدم کردند (سه خدمه کشته شدند). این نخستین مورد از انهدام سفینه هوایی نظامی در منطقه درگیری پس از امضای توافق نامه آتش بس نامحدود در ماه مه 1994 بود. درگیری نظامی بزرگ دیگری در قره باغ در سال 2015 در آستانه جلسه سالگرد مجمع عمومی سازمان ملل متحد رخ داد. علاوه بر سلاح های کوچک با کالیبر بزرگ، خمپاره انداز و نارنجک اندازها، از هویتزر (Howitzers) و توپخانه هم استفاده شد. در شب 8 تا 9 دسامبر 2015 از تانک در خط تماس استفاده شد. واقعه دسامبر اولین باری بود که از این نوع سلاح در طی 21 سال درگیری استفاده می شد. در عین حال لازم به ذکر است که با وجود افزایش درجه خشونت، روند مذاکرات متوقف نشد. روند مذاکرات قطع می شد که همیشه هم به خاطر حوادث "خط تماس" یا در امتداد مرز شناخته شده بین المللی ارمنستان و آذربایجان، نبود. بیایید ماجرای استرداد رامیل صفروف از مجارستان به میهن خود را در آگوست 2012 بیاد آوریم. اما با وجود وقفه ها و "جنگ های لفظی شدید" بین ایروان و باکو، گروه مینسک سفرهایی را به این منطقه انجام داد و همچنان دیدارهایی را بین مقامات ارشد برنامه ریزی می کردند و علاوه بر این قالب، نمایندگان کشورهایی که ریاست گروه را برعهده داشتند با رهبران ارمنستان، آذربایجان و همچنین وزرای امور خارجه این دو کشور گفتگو می کردند. "پاندول ارمنستان و آذربایجان" که گاهی بسوی دور جدیدی از درگیری های نظامی و گاهی بسوی دور جدیدی از مذاکرات حرکت می کرد چندین سال کار کرده است. با نگاه به آینده خواهیم گفت که این پاندول پس از آوریل 2016 هم به کار خود ادامه داده است. در این زمینه، می توان ماجرای بهار و تابستان سال 2018 را بیاد آورد که خشونت در محور نخجوان افزایش یافت اما مانع از آن نشد که الهام علی اف و نیکول پاشینیان در موردافتتاح خط تلفن واکنش سریع به حوادث به توافق برسند. با این حال، این توافقات مانع از تنش فعلی یا تنشهای قبلی در مقیاس کوچکتر نشده اند.

آزمایش توان نیروها بخشی از فرایند حل و فصل این مناقشه قومی سیاسی است و بستگی به این که کسی آن را دوست داشته باشد یا نه، ندارد.

بنابراین تشدید تنش ژوئیه غیر منتظره نبود. این تنش نوار تشدید را تا ارتفاع جدیدی که قبلاً غیرقابل دستیابی بود بالا برد. اما در عین حال، روندهایی که در طول سالها پا برجا مانده اند در واقع تغییر نکرده اند. وقایع تاووش و تووز بی میلی باکو به تحمل وضع موجود را آشکار نکرد. در 6 ژوئیه سال 2020 رئیس جمهور الهام علی اف گفت: "امروز در واقع روند مذاکره ای در حال انجام نیست. کنفرانسهای ویدئویی بین وزیران خارجه جمهوری آذربایجان و ارمنستان بی اهمیت هستند. این تنها بدان معنی است که گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا در حال فعالیت است. باشه، تا کی؟ فعال بودن به معنای مؤثر بودن نیست". اما پیش از این هم نارضایتی از عدم پیشرفت محسوس توسط رهبر آذربایجان و دیگر نمایندگان بلند پایه باکو ابراز شده بود. از طرف دیگر ایروان وضعیت موجود فعلی را گرچه ایده آل نمی داند، اما به طور کلی از آن راضی است. تشدید تنش ژوئیه باعث تغییر موضع ترکیه در حمایت از متحد استراتژیک خود، و موضع ایران که خواهان به حداقل رساندن دخالت بین المللی در روند صلح است نشد. ژوئیه سال 2020 میلادی عدم تمایل مسكو به انجام "انتخاب نهایی" به نفع یك طرف را آشکار نکرد (حداقل تا زمان رسیدن به خطوط قرمز مشخصی). در این خصوص، اظهارات معاون وزیر امور خارجه روسیه آندری رودنکو در 16 ژوئیه سال 2020 جالب توجه است: "من می توانم اطمینان دهم که ما تمام توان و بهترین مهارتهای دیپلماسی روسیه و دیپلماسی مردمی را بکار خواهیم برد تا نه تنها مناقشه مرزی جاری برطرف شود، بلکه بطور کلی روابط بین برادرانمان در دو کشور نزدیک به ما یعنی ارمنستان و آذربایجان بهبود یابد. گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا همانطور که معمولاً در حین تشدید تنش عمل کرده است از طرفین مناقشه خواسته است که مذاکرات موضوع به موضوع را آغاز کنند و خواستار بازگشت ناظران بین المللی به منطقه درگیری در قره باغ کوهستانی در اولین فرصت شده است".

این سؤال باقی می ماند که چنین فرصتی کی حاصل می شود. فعلا زود است که نتیجه گیری کرد وضعیت شکننده جاری به چه سمتی تغییر خواهد کرد و هنوز نمی توان در مورد هرگونه تغییر سرزمینی به این یا آن سمت در نتیجه هفته اول تشدید تنش، صحبت کرد. طبق گفته استانیسلاو تاراسوف مستشرق روسی، هم پاشینیان و هم علی اف باید یک بازی دیپلماتیک را "از صفر" شروع کنند. این استدلال نیاز به در نظر گرفتن نکات ظریف دیگری هم دارد. از یک سو در دستگاه دیپلماسی آذربایجان تغییراتی ایجاد شده است و این ممکن است (حداقل در مرحله اول) به تغییراتی در سبک مذاکرات آنها منجر شود. الهام علی اف هنگام برکناری وزیر خود المر محمدیاروف، وی را به دلیل اینکه دیپلماسی آذربایجان منفعل بود مورد توبیخ قرار داد. شاید با تقویت نقش غیررسمی دستیار ریاست جمهوری در امور سیاست خارجی، حکمت حاجی اف، این اتفاق بیفتد. با این وجود کل طیف مسائلی که در جدول مذاکرات مورد بحث قرار می گیرند باقی خواهند ماند: وضعیت قره باغ، شکستن اشغال مناطق اطراف منطقه خودمختار قره باغ کوهستانی سابق و ایجاد راهروهایی برای ارتباط آن با ارمنستان و همچنین بازگشت پناهندگان. مشکل آن است که چگونه ترتیب اجرای این برنامه را به همدیگر پیوند داد. و خود طرفین هم همانند قبل از سال 2020 حاضر به عقب نشینی نیستند.

محقق انگلیسی توماس دو وال معتقد است كه "روسیه، آمریكا و اتحادیه اروپا ابزارهای كافی برای مهار هر دو طرف را دارند اما نه وقت، نه نیرو و نه تمایلی برای تلاش جهت وادار كردن ارمنستان و آذربایجان به انعقاد صلح وجود دارد چه برسد به اینکه بخواهند حافظان صلح را برای نظارت بر موافقتنامه بفرستند". البته شایان ذکر است که اتحادیه اروپا هیچ استراتژی منسجمی برای حل و فصل مناقشه ندارد و در حقیقت، فرانسه نقش نماینده دائمی اروپا را در گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا ایفا می کند. در مورد هر سه رییس این گروه، با وجود اجماع در مورد مسائل حل و فصل، آنها سیاست خارجی كشورهای خود را كه از زمان پایان جنگ سرد در شدیدترین رویارویی قرار دارند تعیین نمی كنند. در نتیجه، در شرایطی که حل و فصل قره باغ برای آنها مسئله ای حیاتی محسوب نمی شود و از نظر وزنی نسبت به سایر مشکلات کم اهمیت تر است آنها نمی توانند فشار همبسته ای بر باکو و ایروان اعمال کنند. اما فرض کنید که به طور ناگهانی ایالات متحده، روسیه و فرانسه بر همه اختلافات موجود غلبه کنند و بر حل تقابل ارمنستان و آذربایجان متمرکز شوند. و در این حالت هم از اهمیت اراده طرفین مناقشه کم نمی شود. چگونگی وادار کردن آنها به انعطاف همچنان یک مسئله لاینحل است و رویارویی ژوئیه این مسئله را نبست بلکه آن را تشدید کرد.

<https://russiancouncil.ru/analytics-and-comments/analytics/armeniya-azerbaydzhan-staryy-konflikt-i-novaya-eskalatsiya/>

مترجم: محمد سیفی، تاریخ ترجمه: 6/5/99